



I Choose The
Emperor
Ending

ارائه‌ای از تیم آیریس‌کای



T.me/IrisSekai



instagram.com/IrisSekai

ترجمه و ادیت:
LUNA

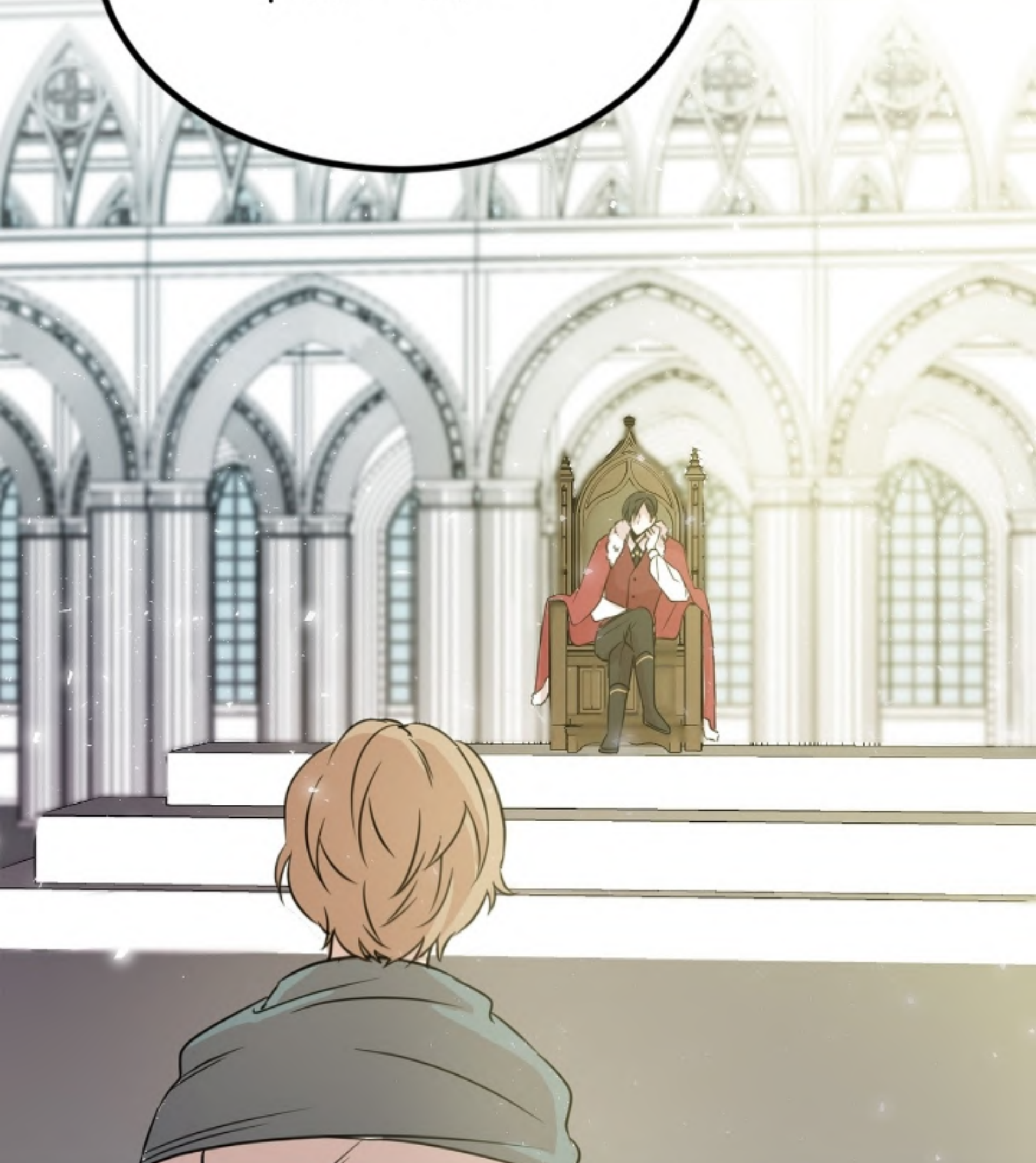
اون یه پسر با قیافه

غلط انداز بود.



من می‌دونم خواسته‌ی

شما چیه، سرورم.



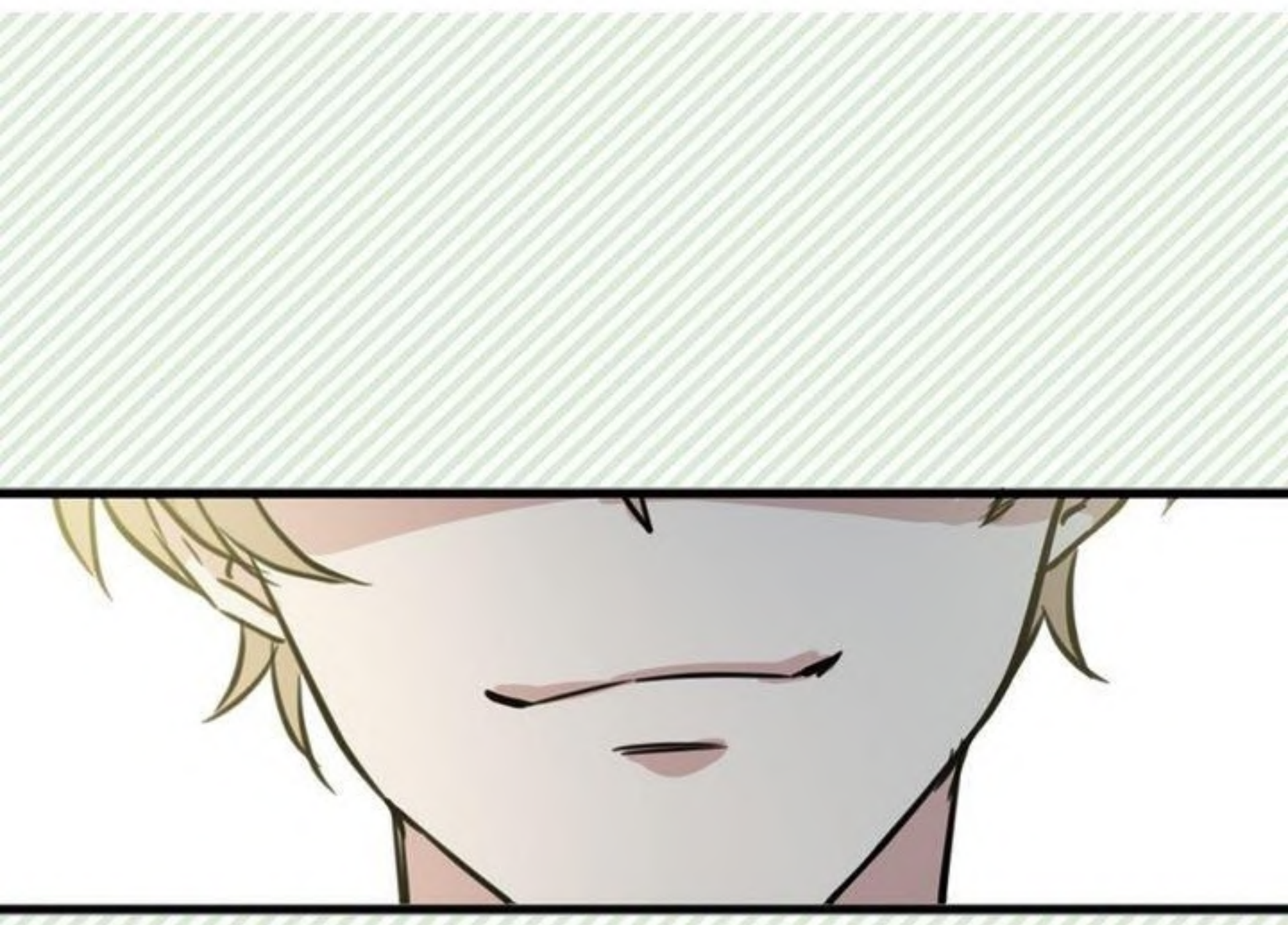
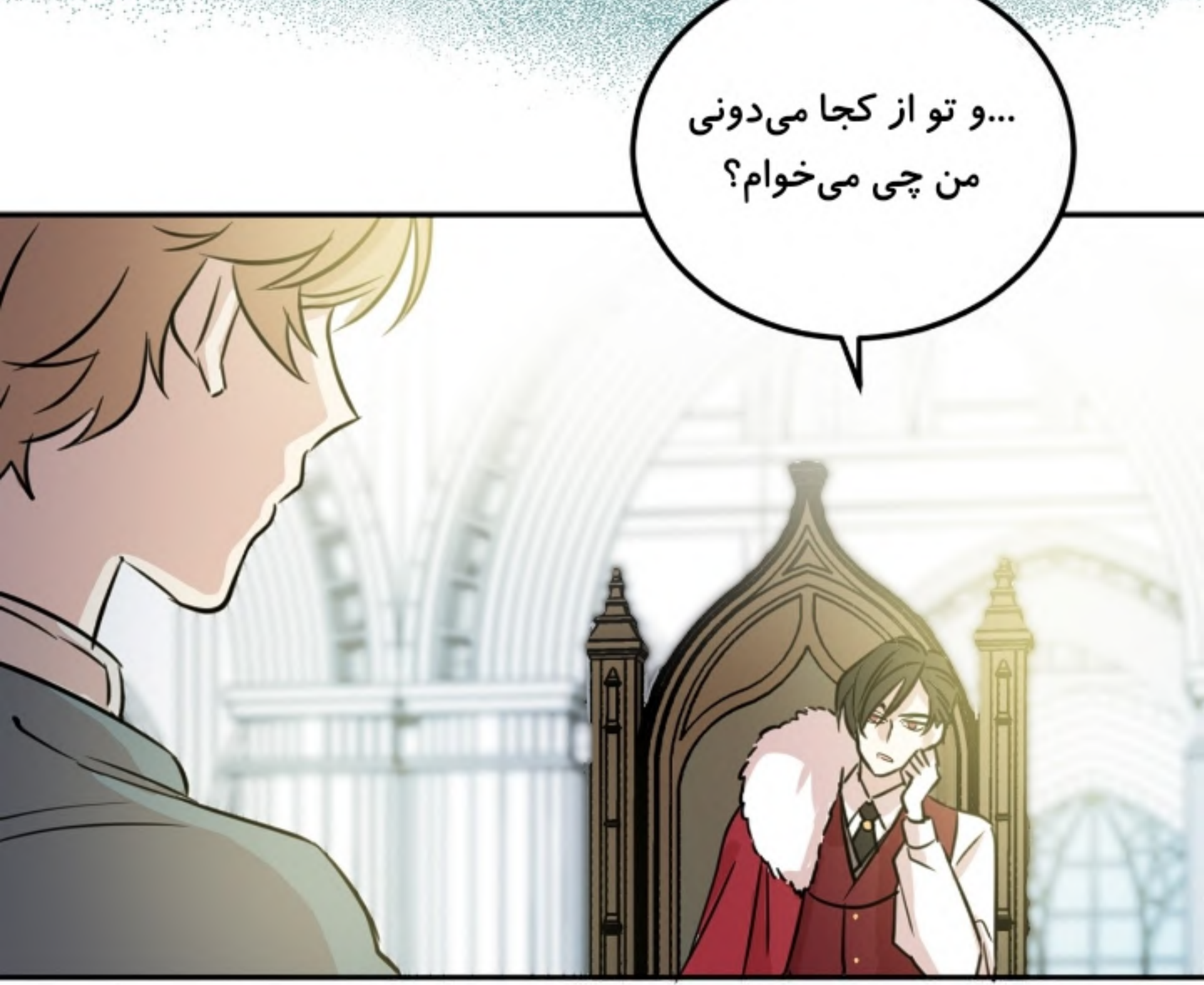
با وجود طبقه پایینش،



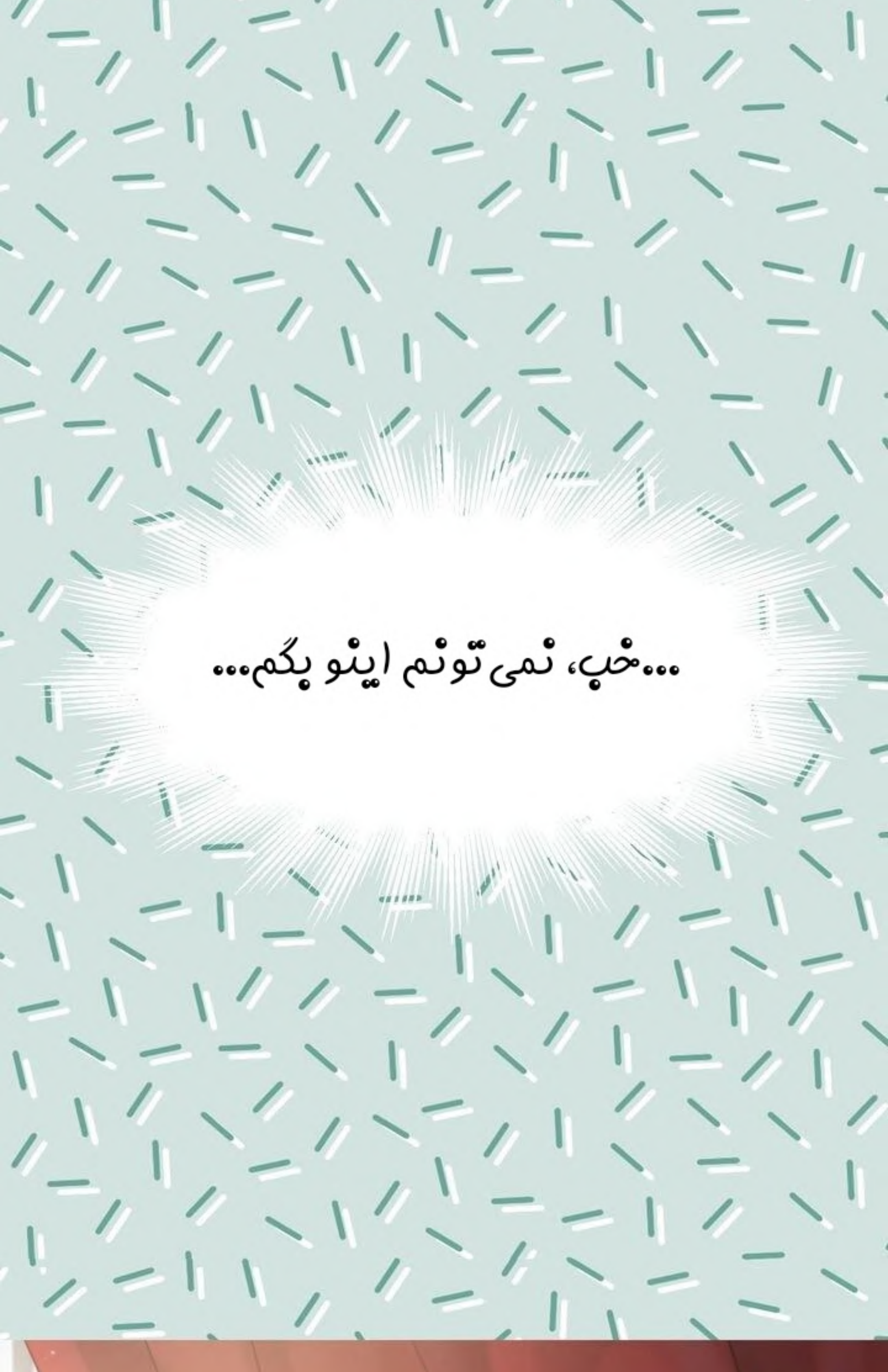
مثل یه سلطنتی گستاخ

به دیگران نگاه می‌کنه.



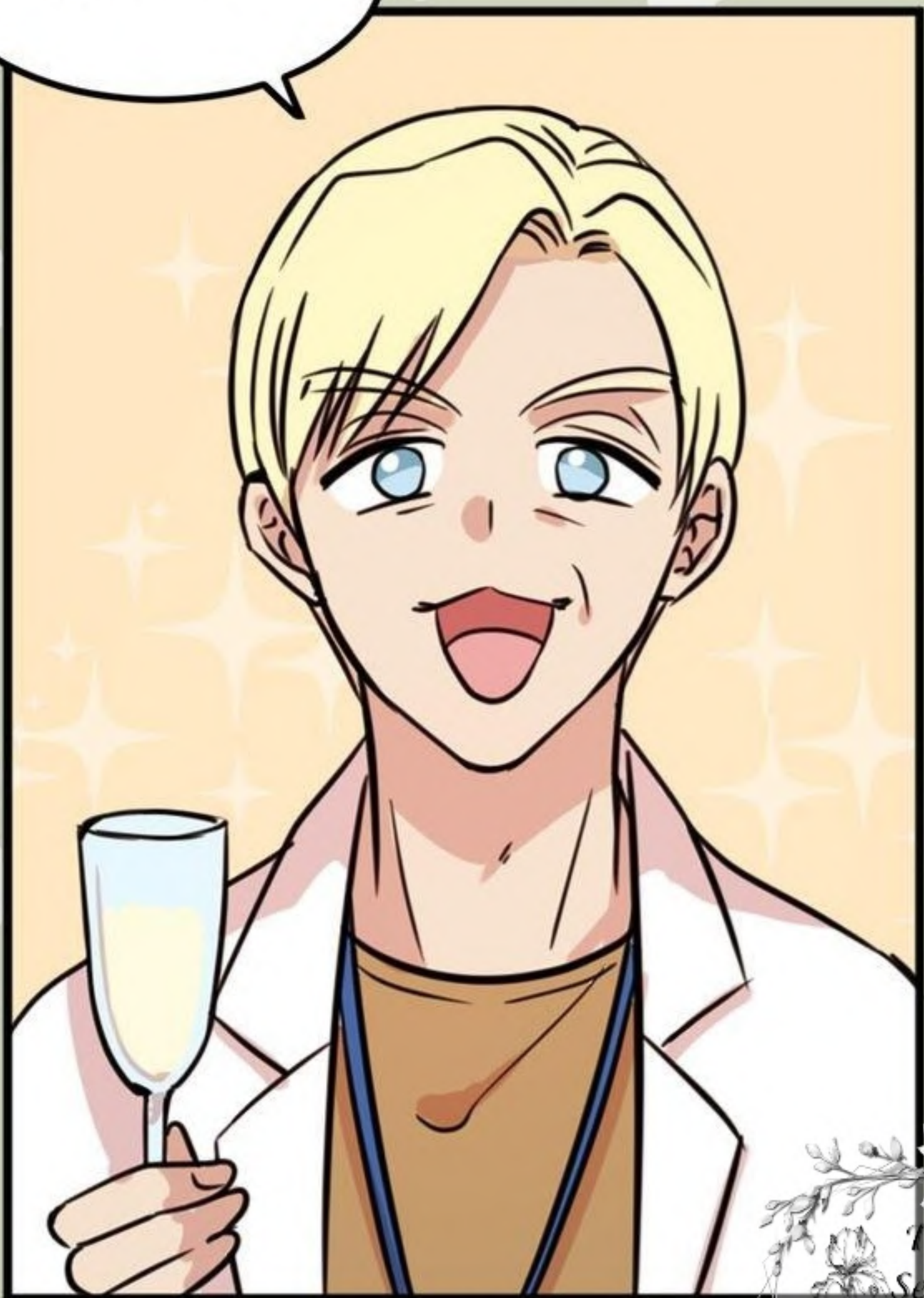


تو بچه منی.



اواسط قرن ۲۱م،
شرق آسیا

حالا، همگی!



اینباييم تا VRWMM رو خلق كنيم!

صبر كن،

منظورش از VRWMM چیه؟

اسم اصلي «سيستم سازنده جهان واقعي مجازي» *
يا به اختصار VRWMM هست.



*Virtual reality word maker machine

اين يه انقلاب در دستگاه
واقعي مجازي كه مي تونه
به كاربر اجازه بده كه...

جهان و کاراکترهاي رو تجربه کنه كه
خودش ساخته.

واكنش به پيش نمايش نمايشگاه
براي VRWMM واقعا استثنائي بود!



۴۰۰ هزار نفر توی يه روز

جمع شدن! ۴۰۰ هزار!



اون‌ها مدام می‌پرسیدن
که ما کی برای این یه نمایشگاه
دائمی می‌سازیم~!

~ عررر~!!

ما قراره پولدار
شیم~!

بی خیال، یه لحظه
عرعر نکنین!

~ اهم

ما می‌دونیم ستاره
نمایش امروز کیه!

به سلامتی مارینا~!

توسعه دهنده اصلی VRWMM!



مارینا، بیست و سه ساله. رئیس بخش
توسعه VRWMM،
جوانترین سر محقق



توسعه دهنده اصلی
عمته، انقدر شل مغز
نباش...

شکسته نفسی نکن!

فردا روز انتشاره! برامون
سخنرانی کن!

یای یای یای~!



از وقتی بچه بودم رویای
من این بود که...

...یک جهان خلق کنم.

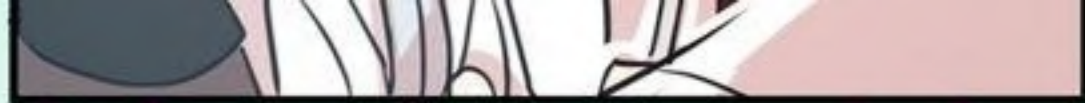


ممنونم از همگی، برای
اینکه به من کمک کردن
تا رویام رو واقعی کنم.

من مطمئنم که VRWMM
برام شادی به ارمغان خواهد
آورد.

آه~ چه سخنرانی من
درآوردی خفنی!





این رویای ما هم بود~!

درستمه.



یا ح یا ح یا ح...

واقعا، از وقتے بچہ بودم،

~ قیز قیز

آرزو داشتم تا دنیای خودم رو به
واقعیت تبدیل کنم.



تا الان، این فقط خیالات بوده که
توی سرم پرانگیخته شده...

...و داستان های که یواشکی
نوشتم، اما بلاخره...

من دنیام رو ساختم!
لازناروک!





سالای نوجوونیم، وقته تنها
چیزی که داشتم ریاضه و علوم
بود...

مردم دنیای واقعی خنگ و
غیرمنطقی هستن.



...تصادف به یه رمان فانتزی قرون
وسطایه برخورددم...

ولی رمانا سر گرمیای
محقق تری هستن!



مکان انباشت چیزهای
خنگولانه و غیرمنطقه.

... و این منو به دنیای بزرگ تری
برد؛ وقته تنها چیزی که دربارش
فکر می کردم مدرسه و علم بود.

همگی به گرچه مای عاشقان
فانتزیای قرون وسطایی خوش
اومرین!



حتے ہمیں روزا، وقتے بہ سے
سالگے رسیدم،

تالاپ
تالاپ

هنوزم چیزای تاریخے منو
هیجان زده مے کنن.

آه، اروپای
♥ قرون وسطایی

اون دورانی که جذابیت رو
معنی می کنه، پر از باور های ناب،
دست سازه های خفن و جادو همه و
همه با هم جمع شدن...



جایی که روحم توش
مشعوف می شه!



ولی حقیقتا خیلی غیر بهداشتی
بودن...

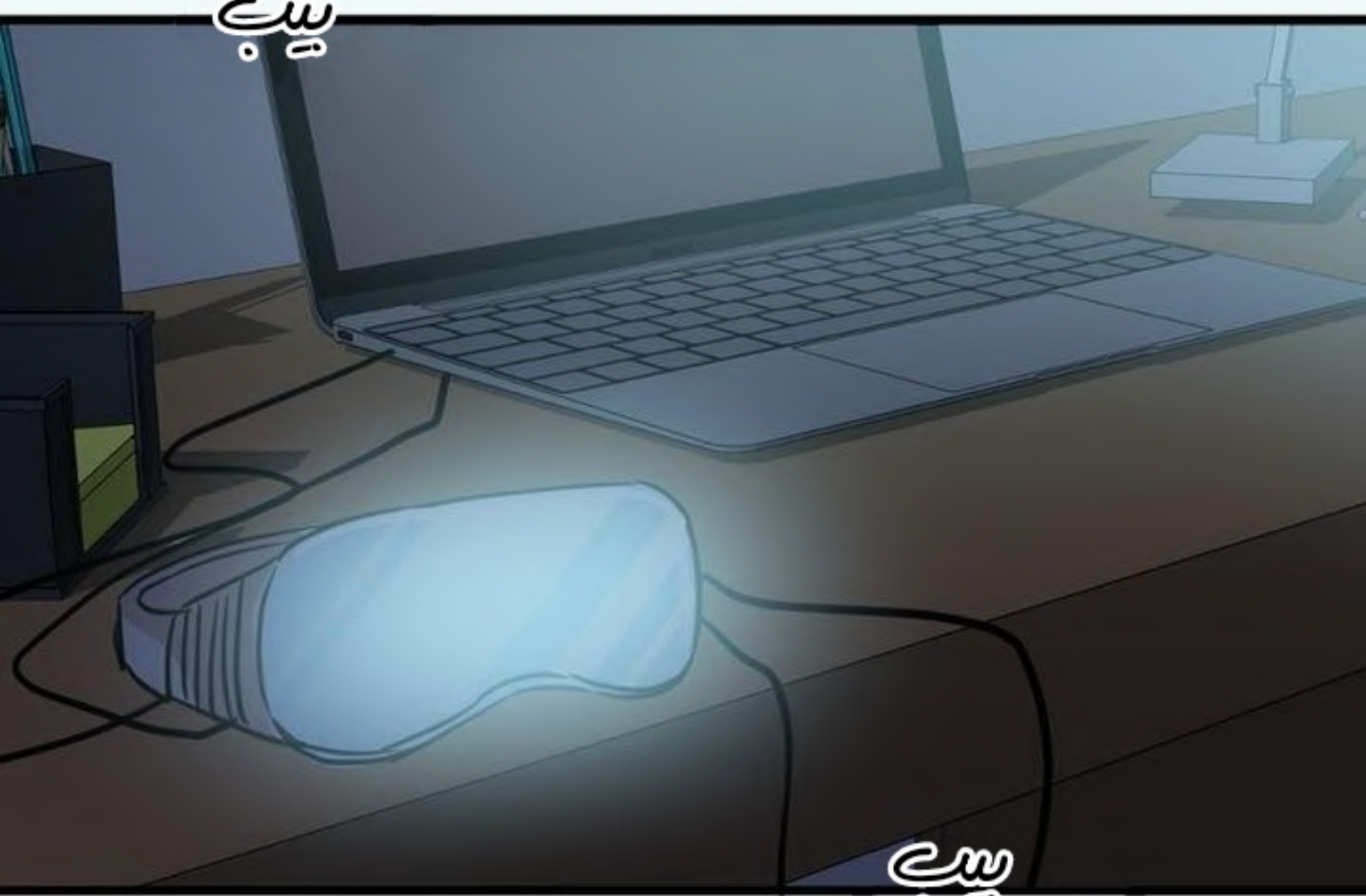
مبدأ شیوع بیماری و به چپ گیری
بهداشت





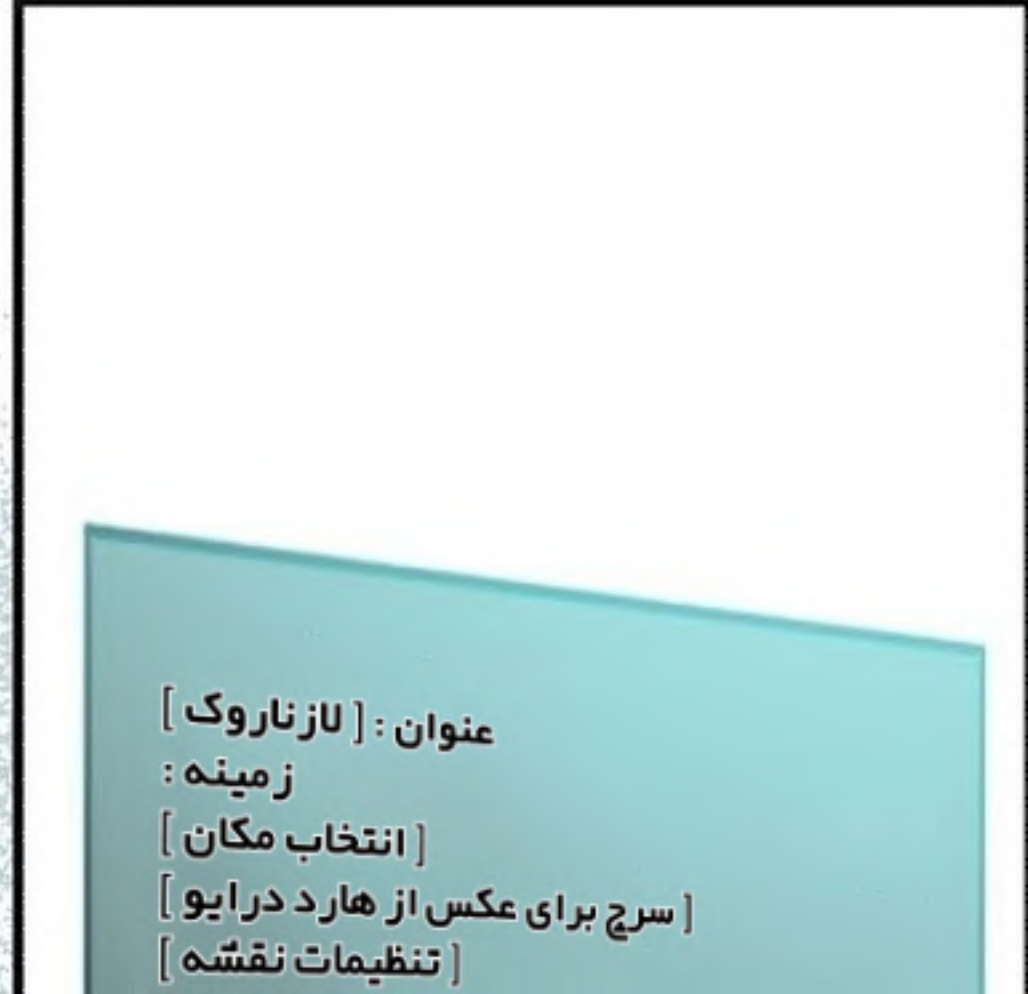
به هر حال، این محصول تمام
آزمایشات نهایی رو پشت سر
گذاشته.

مشکلی پیش نمیاد



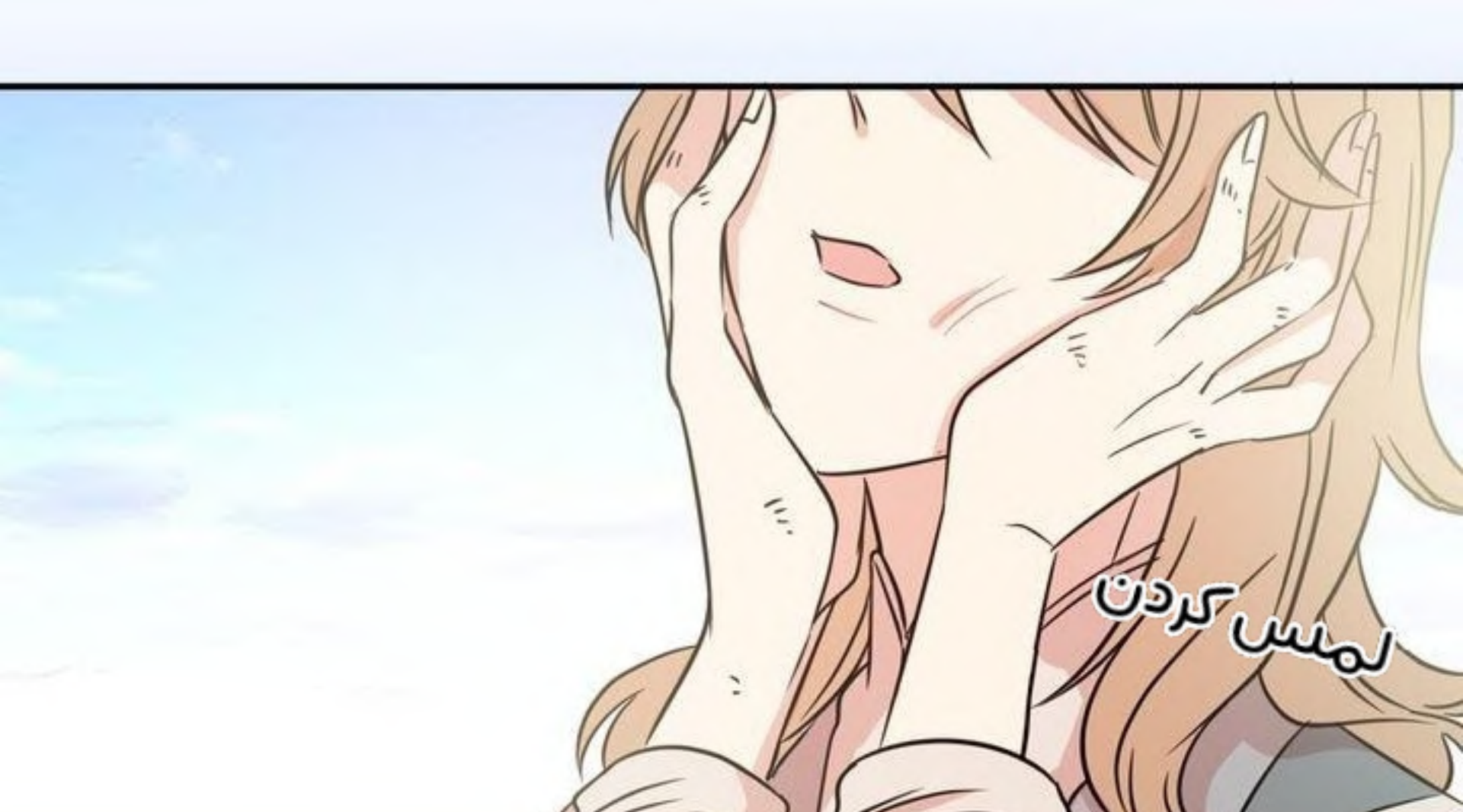
توی سه ساله که می نوشتم.

دنیا به داشتم که هر شب توی
سرم شناور می شد.



من بلاخره می توئم برم اونجا...!

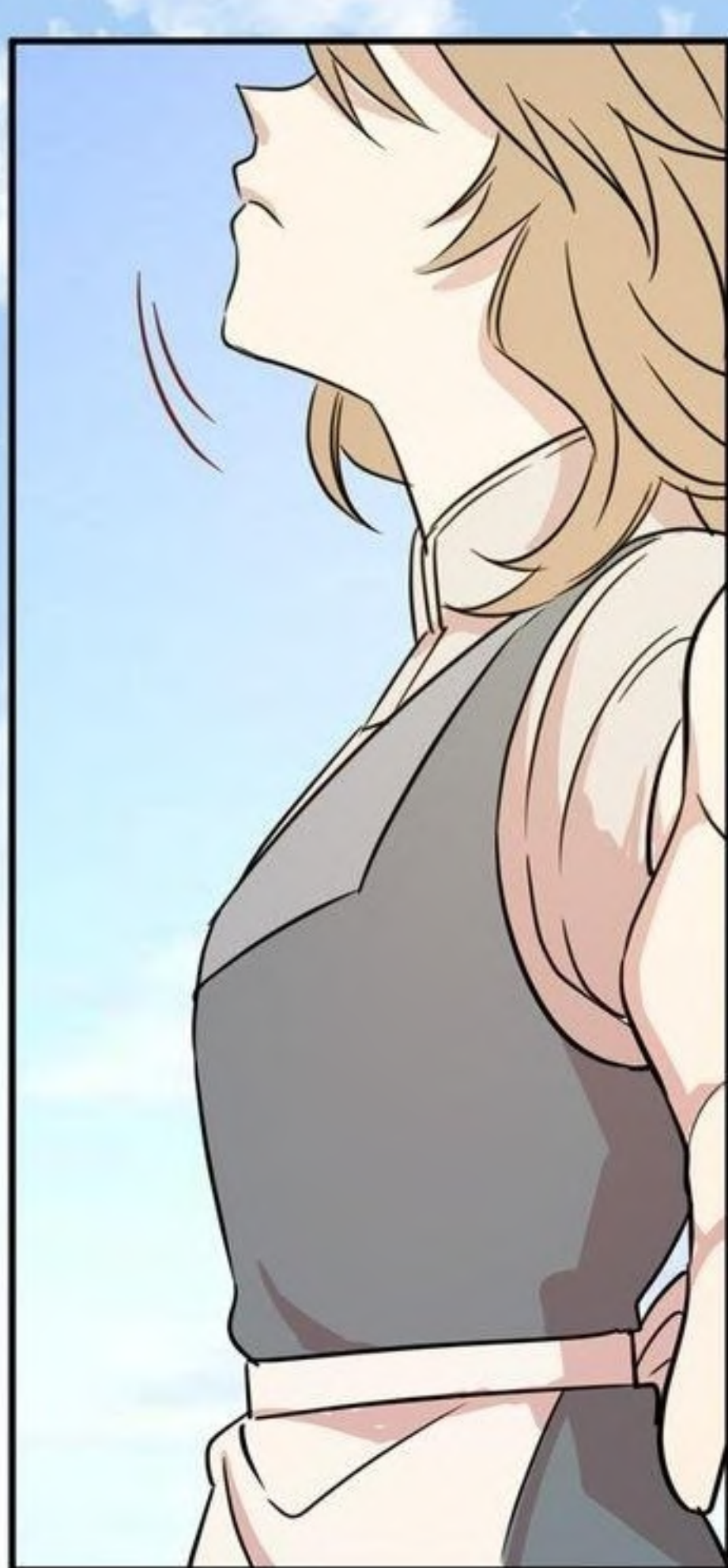




لمس کردن



من واقعا اینجام...



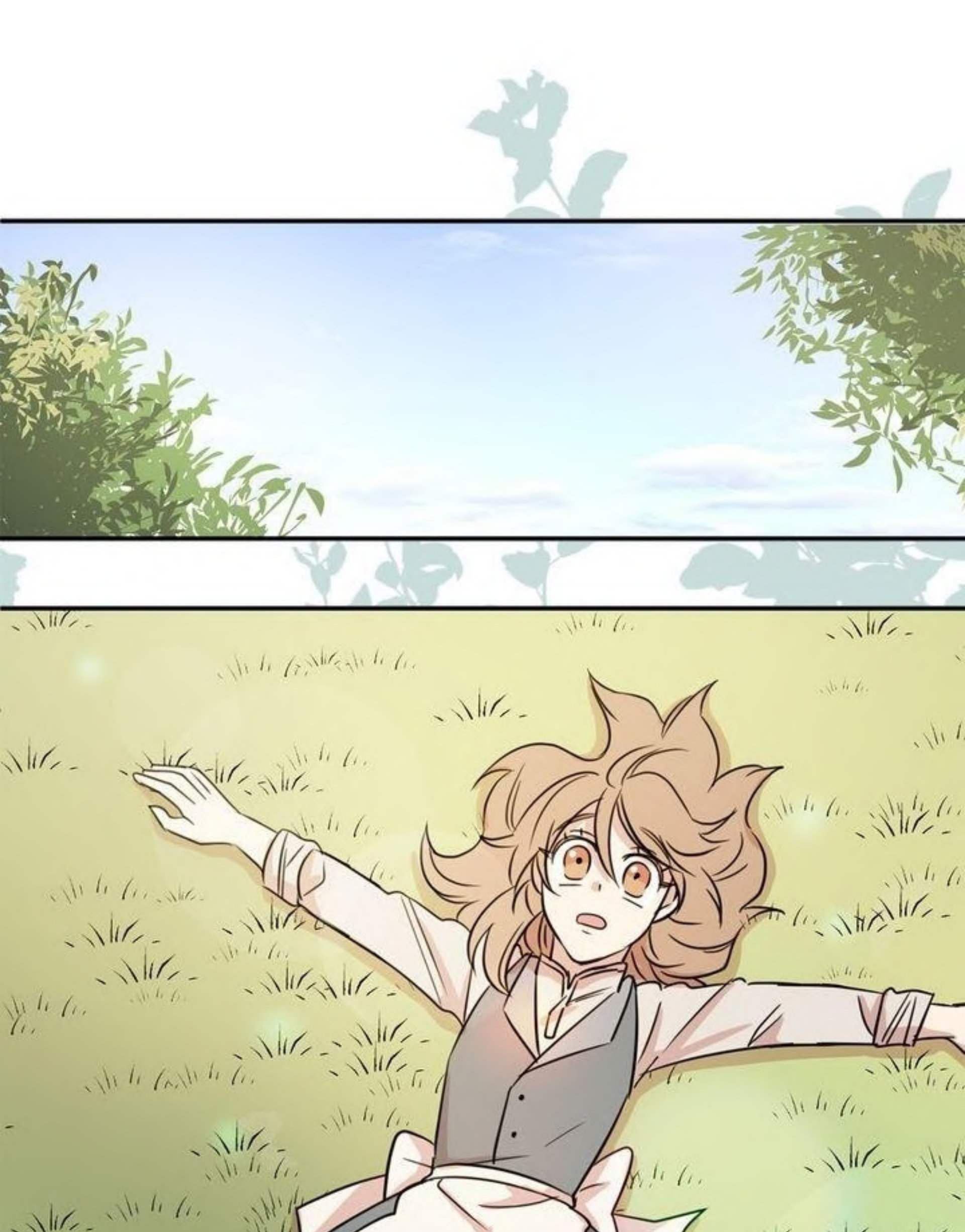
عززرر



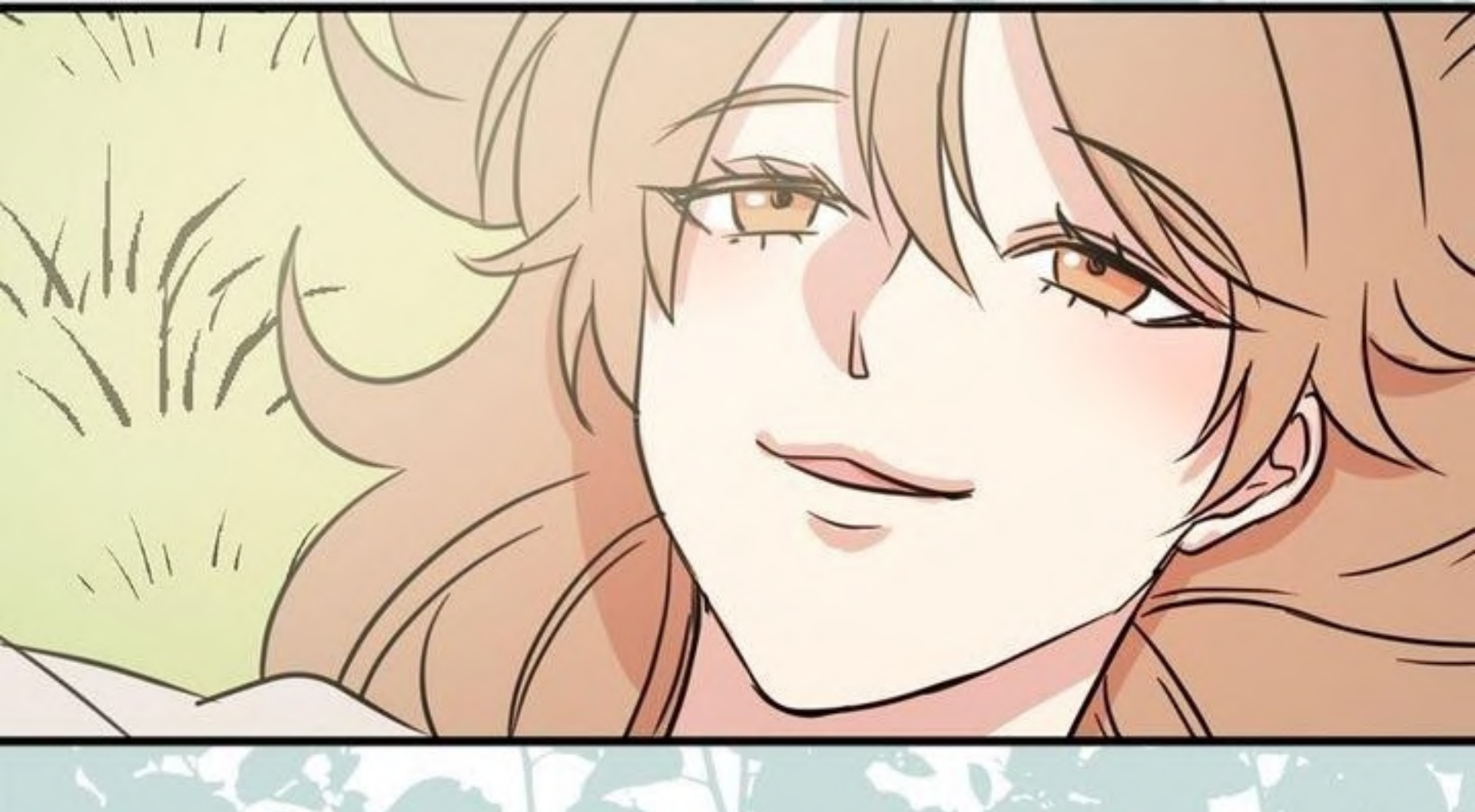
عززرر!



عسیح!



آه.



بوی چمن...



عالیه.

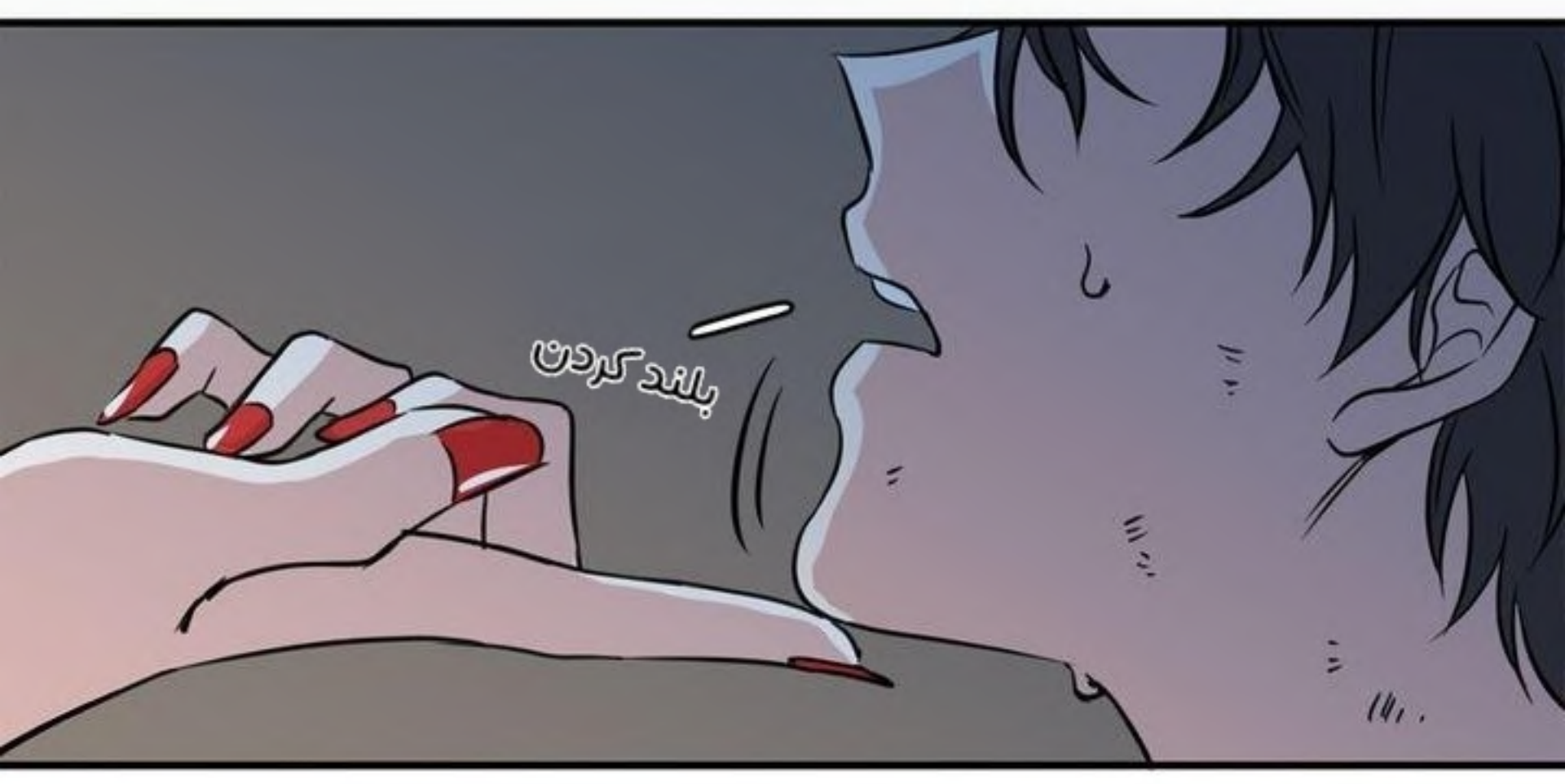




اما،

تکون بنورا!

من نفعه دونستم که...



...چقدر زیاد توی خطر بودم.

ادامه دارد ...



ارائه‌ای از آیریسکای
ترجمه و ادیت: Luna